



مردم از افغانستان و عراق و کشورهای همسایه هم
به برنامه واکنش نشان می دادند. یادم است سرود معروف «رضا رضا»
که بچه های آباده خواندند در همین چند روز برنامه ما پخش شد
و همه چیز شور و حال خاصی داشت

قاجاریه

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
۲۱ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۸۰۲

رو در رو

روایت اقبال واحدی، مجری و گزارشگر از اجرای برنامه در حرم امام رضا (ع)

خیلی هامی گفتند، اولین بار حرم را در «صبح بخیر ایران» دیده اند



می گوید برای اولین بار توانسته اند دوربین برنامه را ببرند داخل حرم امام رضا (ع) و او تا همیشه این خاطره شیرین را با خود دارد که اولین مجری ای بوده که توانسته از داخل حرم زنده با بینندگان تلویزیون حرف بزند. اقبال واحدی این روزها کمرنگ است اما سال ها مجری برنامه «صبح بخیر ایران» بود و بعدتر آیتم «سفرنامه صبا» که به شهرهای مختلف ایران سر می زد و آداب و رسوم مناطق دورافتاده را معرفی می کرد. با او درباره خاطرات اولین اجرای در حرم امام رضا (ع) حرف زدیم تا برآیم از آن سال ها و خاطره های دور بگویم.

در برخی مصاحبه های تان دیدیم به این نکته اشاره کرده اید که برای اولین بار در برنامه «صبح بخیر ایران» درهای حرم امام رضا (ع) روی گروه یک برنامه تلویزیونی باز شده است. در این باره کمی توضیح دهید.

به خاطر دارم سال ۷۵ بود و در ایام تولد امام رضا (ع) ما می خواستیم از حرم زنده برنامه پخش کنیم. تا آن موقع اجازه نمی دادند دوربین وارد حرم شود و وقتی این اجازه را گرفتیم، خیلی خوشحال بودیم. آن زمان مرحوم آیت... طبسی در قید حیات بودند و چون گروه ما را می شناختند، اجازه دادند که از حرم برنامه پخش کنیم. یکی از غرفه های حرم را در اختیار ما گذاشتند و نمی دانید چقدر از این اتفاق خوشحال بودم.

بینندگان تلویزیونی چه واکنشی داشتند؟

ما بهترین واکنش ها را از بینندگان گرفتیم. شیعیان بسیاری تماس گرفته و خواهش می کردند برنامه را ادامه دهیم، برخی می گفتند اولین بار در عمرشان حرم را در این برنامه دیده اند و خلاصه شادی عجیبی داشتند. تقریباً ۲۴ ساعته برنامه داشتیم و برای همه حس و حال خوبی بود، نه فقط ایران که مردم از افغانستان، عراق و کشورهای همسایه هم به برنامه واکنش نشان

موقوفات حرم را هم معرفی کردیم و روی تعریف وقف کار کردیم. آن موقع آقای راشدیزدی آنجا نماز می خواندند و در برنامه ما درباره زیارت مطلوب صحبت کردند. کتابخانه حرم و نقاره خانه را معرفی کردیم. گفتیم چه چیزهایی نذر کنند و نذرهایشان را به کجا ببرند. معمولاً برنامه سازان تلویزیونی وقتی به حرم می آیند جذب نقاره خانه و زرق و برق حرم می شوند. آن دفعه ما از خادمان حرم فیلمبرداری می کردیم؛ این که چطور می خدمت می شوند و در بخش های مختلف چه کارهایی می کنند.

یعنی سه شبانه روز در حرم امام رضا (ع) زندگی کردید؟

بله. اتاق سؤالات شرعی را به ما دادند. ما آنجا شب ها می خوابیدیم. واحد سیار ما کوچک بود و توانستیم آن را داخل حرم بیاوریم. من خیلی لذت بردم. از طرف دیگر مردم و زائران هم خیلی با ما مهربان بودند. آن موقع تازه موبایل (تلفن همراه) آمده بود. یک نفر در خیابان من را دید و خیلی به من اظهار لطف کرد. از من پرسید چه کمکی می توانم به شما بکنم؟ من دیدم یک دستگاه موبایل به کمرش بسته است. به او گفتم همین موبایل را به من چند هفته قرض بده. موبایلش را دو دستی تقدیم کرد. سفرم که تمام شد، با آن مرد تماس گرفتم و موبایلش را پس دادم.

این ماندن در حرم چه حسی داشت برایتان؟ به امام رضا بیشتر علاقه مند نشدید؟

همیشه مرید ایشان بوده و هستم. من در حرم دعاهایی کرده ام که مستجاب شده است. کاملاً برایم مشهود است که بعد از زیارت، آن خواسته را به دست آورده ام. من هیچ شکی در این رابطه ندارم. شاید اگر به کسی بگویم باورش نشود. من خیلی از چیزهای خوب زندگی ام را با همین نذر و نیازها و متوسل شدن به حضرت امام رضا (ع) به دست آوردم. خیلی دوست ندارم درباره آن خواسته ها صحبت کنم.

چهره ظاهری حرم امام رضا (ع) نسبت به گذشته چه تفاوتی کرده است؟

قبلاً آدم از راه دور گنبد منور امام رضا (ع) را می دید و سلام می کرد. الان به دلیل ساخت و سازهای دور حرم خیلی ناراحت هستم. من مناره های جدید را نمی پسندم. الان گنبد بین این مناره های بتنی بلند گم شده است. قبلاً گنبد طلا بلندترین ساختمان مشهد بود ولی الان آن قدر ساختمان هتل ساخته اند که گنبد مظلوم واقع شده است. قبلاً گنبد یک سنگ نشانه بود. من وقتی می دیدم سلام می کردم و صلوات می فرستادم. الان باید کلی بگردم تا گنبد را پیدا کنم.

تا حالا مهمان مهمانسرای حضرت شده اید؟

بله. دوستان به من لطف دارند. البته خودم هم دنبال ژتون هستم. می گویم یک جوری غذای حضرت را به من برسانید. معمولاً می رسانند. خدام سهمیه شان را به من می دهند. واقعا طعمش فرق دارد. اگر آدم گرسنه هم نباشد دوست دارد به صورت تبرکی بخورد. من معمولاً غذای حضرت را با خودم به تهران می آورم و در فریزر نگهداری می کنم.

ژتون های مهمانسرای حضرت را به هتل ها بردیم و پخش کردیم. همزمان دوربین هم آمده بود و ما فیلم می گرفتیم. به خانواده ها می گفتیم شما مهمان حضرت امام رضا (ع) هستید. آنها خیلی خوشحال می شدند. جالب این که چندبار به صورت اتفاقی ژتون ها قسمت خانواده شهدا شد. قسمت های مختلف حرم را به مردم معرفی کردیم. یک گروهی بودند که هفته ای یک بار دنبال پیرمرد ها و پیرزن ها می رفتند و آنها را به حرم می آوردند.

می دادند. یادم است سرود معروف «رضا رضا» که بچه های آباده خواندند در همین چند روز برنامه ما پخش شد و همه چیز شور و حال خاصی داشت.

ویژه برنامه صبح بخیر ایران برای ولادت امام رضا (ع) چه بخش های دیگری داشت؟

آن زمان آقای علوی، مسؤول روابط عمومی آستان قدس بودند. با هماهنگی ایشان به قسمت گمشده ها رفتیم و همچنین به آشپزخانه مهمانسرای حضرت (ع) سر زدیم.

